بررسی تطبیقی واژه و مفهوم ممیز و غیر ممیز در فقه امامیه و اهل سنت

محمد طیبی[1]
ملیحه یعقوب‌پور[2]

چکیده

ممیز و غیر ممیز، از واژگان فقهی مهمی است که به خاطر بار تکلیف فقهی، نیازمند بررسی و ارزیابی است؛ زیرا تا ممیز و غیر ممیز معلوم و مشخص نشود، نمی‌توان بار فقهی‌ای را که از ممیز و غیر ممیز حاصل می‌شود، دریافت کرد؛ چرا که فقه به دلیل گستردگی و فروعاتی که دارد، نیازمند تحقیق و تفحص است. مقاله حاضر، به بررسی واژه ممیز در لغت و اصطلاح و در شش دیدگاه از فقهای امامیه و بیان نظر اجمالی علمای اهل سنت و سپس به تبیین واژه غیر ممیز با روش کتابخانه‌ای می‌پردازد.

شش دیدگاه به طور اجمال عبارت است از: ۱. تشخیص آسیب بیشتر و کمتر و نیز تشخیص سودمندتر از سودمند؛ ۲. ملاک تشخیص عرف است؛ ۳. برخی فقهای معاصر، سخن از ممیز را به طور اجمال در ذیل مباحثی، همچون سلام ممیز بر شخص مصلی، شرایط ذبح و غیره مطرح کرده‌اند؛ ۴. ملاک تشخیص زن و مرد است؛ ۵. صغیری که به بلوغ شرعی نرسیده است؛ ۶. قدرت تشخیص عورت و غیر عورت را داشته باشد. در بین دیدگاه‌ها اشکالاتی به دیدگاه اول و دوم گرفته می‌شود و جواب اشکال نیز داده می‌شود. در دیدگاه سوم نظر یکی از اهل سنت به صورت مصداقی بیان می‌شود.

واژه‌های کلیدی: ممیز، غیرممیز، فقه امامیه، اهل سنت

---

۱. سطح چهار حوزه و مدرس حوزه علمیه؛ tayyebi313@gmail.com.
۲. پژوهشگر و طلبه سطح سه رشته علوم قرآنی و تفسیرجامعه الزهرا؛ yagoob255m@gmail.com.

A Comparative Study of the Term and Concept of Mumayez and Non-Mumayez in Imamiyah and Sunni Jurisprudence

Mohammad Tayyebi,[1]
Malihe Ya'qoobpoor [2]

Abstract

Mumayez and non-Mumayez (differentiator and non-differentiator between right and wrong) are important jurisprudential words that need to be studied and evaluated due to their importance in jurisprudential duties. Without a clear understanding of Mumayez and non-Mumayez, it is not possible to receive the jurisprudential burden that results from them. In fact, due to its breadth and multiple sub-categories, jurisprudence needs to be vastly researched and investigated in this regard. The present paper examines the word " Mumayez " literally and idiomatically in six views of Imamiyah jurists. It then briefly deals with the opinion of Sunni scholars and explains the word " non-Mumayez " through the library method.Six perspectives are summarized as the following: 1. Making a distinction between more harm and less harm as well as between more useful and useful; 2. The criterion for distinction is custom; 3. Some contemporary jurists have briefly addressed the issue of Momayez under the rubric of some discussions such as Momayez's greeting to a Muslim performing salat, the conditions of slaughter, etc.; 4. Men and women are the criterion for distinction 5. An underage who has not reached legal puberty; 6. Someone who can distinguish between private and non-private. Among the views, the problems and flaws in the first and second views are studied and corrected. In the third view, the opinion of a Sunni expert is expressed as an example.

Keywords: mumayez and non-mumayez, Imamiyah jurisprudence, Sunnis

---

1. Level Four Graduate and Professor at Seminary School, tayyebi313@gmail.com
2. Researcher and Student of Level Three of the Quranic Sciences and Interpretation, Jami'at al-Zahra

دراسة مقارنة لمفردتي المميّز وغير المميّز في الفقه الإمامي والسنّي

محمد طيّبي[1]
مليحه يعقوب پور[2]

الخلاصة

يعتبر المميّز وغير المميّز من المفردات الفقهية المهمّة التي ينبغي دراستها وتقييمها بسبب أعباء التكاليف الفقهية؛ وما لم يتمّ التعرّف على المميّز وغير المميّز لا يمكن ترتيب تلك الآثار الفقهية، والذي يحصل من الفرز بين المميّز وغير المميّز. لأن الفقه بسبب اتساعه وتفريعاته يحتاج إلى البحث والفحص. في هذا المقال ولتحقيق الهدف تمّ تناول بحث المميّز في اللغة والاصطلاح، وبحث ستة آراء لفقهاء الإمامية، وتبيين الرأي الإجمالي لعلماء السنة، ثم تمّ بحث مفردة غير المميّز.

وهذه الآراء الستّة عبارة عمّا يلي: ١. تشخيص الضرر الأكثر والأقلّ وأيضاً الأفيد من المفيد. ٢. معيار التشخيص هو العرف. ٣. قسم من الفقهاء المعاصرين تكلّم عن المميّز بصورة إجمالية، وطرح ذلك في ذيل بعض البحوث كسلام المميز على الشخص المصلي، وشروط الذبح وما إلى ذلك. ٤. المعيار هو تمييز الرجل من المرأة. ٥. الصغير هو الذي لم يصل مرحلة البلوغ الشرعي. ٦. مَن له القدرة على التمييز بين العورة وغير العورة. وقد أوردنا بعض الإشكالات على الرأيين الأوّل والثاني من بين تلك الآراء ثمّ تمّ الردّ عليها. وأمّا الرأي الثالث فهو يعبّر عن رأي أحد أهل السنة بصورة مصداقية.

الكلمات المفتاحية: المميّز، غير المميّز، فقه الإمامية، أهل السنّة.

---

١. خرّيج من المرحلة الرابعة في الفقه والاصول ومدرس في الحوزة العلمية؛ tayyebi313@gmail.com.
٢. المحقق طلبه سطح سه رشته علوم قرآنی و تفسیرجامعه الزهراءﷺ؛ yagoob255m@gmail.com.

۱. تبیین مسئله

برخی از واژه‌ها در فقه امامیه، اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا احکام و تکالیف شرعی بر آن مترتب می‌گردد. یکی از این واژه‌هایی که در احکام شرعی کاربرد بیشتری دارد، ممیز و غیرممیز است که به دلیل اختلاف در مفهوم آن و برداشت متفاوت فقها، میدان بحث و گفتگو شده است. بنابراین، ضرورت دارد به بیان تفصیلی و تحقیقی این دو واژه مهم پرداخته شود تا شاهد اختلاف کمتر و ثمرات بیشتر در این باره باشیم. از این رو، در این مقاله، مفهوم ممیز و غیر ممیز از دیدگاه فقهای امامیه و اهل سنت بررسی خواهد شد. در سیر بحث به خوبی آشکار می‌شود که نظرات فقهای امامیه در این باره بسیار جامع و کامل‌تر است.

۲. پیشینه

با توجه به بررسی‌ها، به نظر می‌رسد مفهوم ممیز مقدم است و مفهوم غیر ممیز در قرن ششم توسط قطب‌الدین راوندی بیان شده است و سپس در قرن دهم توسط کرکی عاملی و در قرن سیزدهم توسط احمد نراقی مطرح شده است و در مورد ممیز، نظری از فقهای اهل سنت نیافتیم.

اما آنچه در مورد ممیز مطرح شده، شش دیدگاه است که دیدگاه چهارم تا ششم مربوط به قرن معاصر است. اولین نفری که دیدگاه اول را مطرح کرده، شهید ثانی از علمای قرن دهم است و سپس در قرن یازدهم، موسوی عاملی و مؤمن سبزواری و در ادامه در قرن سیزدهم، حسینی عاملی و صاحب جواهر به بسط و تبیین این واژه پرداخته‌اند.

دیدگاه دوم در قرن‌های یازدهم، توسط موسوی عاملی و فیض کاشانی و در قرن دوازدهم، به وسیله رضی الدین خوانساری و در قرن سیزدهم، از طریق صاحب جواهر مطرح شده است و چندین نظر درباره آن به تحریر درآمده است.

فقهای اهل سنت در مورد ممیز دیدگاهی را به بحث نگذاشته و کمتر در این موضوع، ورود کرده‌اند که آن نیز بیشتر حول دیدگاه سوم است که در قرن چهاردهم،

توسط عبدالرحمن جزیری از فقهای اهل سنت به تحریر در آمده است. ممکن است علت عمده اینکه علمای اهل سنت، در این موضوع ورود پیدا نکرده‌اند، به دلیل آن است که ممیز از نظر آنان از مفاهیم بدیهی است.

۳. تعریف ممیز در لغت

ممیز، واژه‌ای عربی است که مصدر آن بر وزن تمییز است و در لغت به تمییز و جدا کردن بین اشیاء تعبیر می‌شود (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج۷، ص۳۹۴؛ صاحب بن عباد؛ ۱۴۱۴ق، ج۹، ص۱۰۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج۵، ص۴۱۲).

۴. تعریف ممیز در دیدگاه فقها

با جست‌وجوی فراوانی که صورت گرفت، شش دیدگاه در این باره وجود دارد:

۱-۴. دیدگاه اول: تشخیص آسیب بیشتر و کمتر و نیز تشخیص سودمندتر از سودمند

فقهای امامیه برای پیدا کردن مفهوم ممیز به تفصیل ورود پیدا کرده و به تعریف پرداخته‌اند. شهید ثانی در کتاب روض الجنان، در بحث اذان و اقامه، ممیز را این گونه تعریف کرده است: «**و المراد بالمميز مَنْ يعرف الأضرّ من الضارّ و الأنفع من النافع إذا لم يحصل بينهما التباس بحيث يخفى على غالب الناس**» (عاملی، ۱۴۰۲ق، ج۲، ص۶۴۸). منظور از ممیز، کسی است که آنچه را آسیب بیشتری می‌رساند از آنچه که ضرر و آسیب کمتری دارد و آنچه که سودمندتر است از سودمند تشخیص دهد. زمانی که بین این دو اشتباه نشود؛ به طوری که بر غالب مردم، پوشیده باشد. در ادامه می‌فرمایند: «**و لا فرق في ذلك بين الذكر و الأُنثى**؛ در تعریف ممیز، فرقی بین مذکر و مؤنث نیست» (همان). فقهای دیگر نیز به نقل از ایشان ممیز را با همان عبارات عنوان کرده‌اند (رک. موسوی عاملی، ۱۴۱۱ق، ج۳، ص۲۷۰؛ مؤمن سبزواری، ۱۲۴۷ق، ج۲، ص۲۵۴؛ بحرانی آل‌عصفور، ۱۴۰۵ق، ج۷، ص۳۳۶؛ حسینی عاملی، ۱۴۱۹ق، ج۶، ص۴۳۲).

اشکال بر تعریف: فی الجمله دو اشکال مطرح شده است که عبارت است از:

«برگشت به جهالت و واضح نبودن استناد در آن» (رک. موسوی عاملی، ۱۴۱۸ق، ج۳، ص۲۷۰؛ حسینی عاملی، ۱۴۱۹ق، ج۶، ص۴۳۲؛ مؤمن سبزواری، ۱۲۴۷ق، ج۲، ص۲۵۴؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج۹، ص۵۵؛ همو، ۱۴۲۱ق، ج۵، ص۴۲).

اما اشکال به تفصیل عبارت است:

طرح دو اشکال: موسوی عاملی دو اشکال مطرح کرده و اولین فقیهی است که بر تعریف ممیز خدشه کرده و در این رابطه می‌فرماید: «**و هو مع عدم وضوح مأخذه رد الی الجهاله**» (موسوی عاملی، ۱۴۱۸ق، ج۳، ص۲۷۰)؛ تعریف ممیز علاوه بر اینکه استناد آن واضح و آشکار نیست، اشکال دیگری نیز دارد و آن اینکه برگشت به جهالت دارد. حسینی عاملی همین دو اشکال مذکور را همانند موسوی عاملی بیان می‌کند (حسینی‌عاملی، ۱۴۱۹ق، ج۶، ص۴۳۲).

طرح یک اشکال: مؤمن سبزواری یک اشکال را مطرح می‌کند: «**و الامر فیه غیر واضح**» (مؤمن سبزواری، ۱۲۴۷ق، ج۲، ص۲۵۴)؛ تعریف ممیز واضح و روشن نیست.

جواب اشکال: مرحوم بحرانی در کتاب الحدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره بیان می‌کند که نوه شهیدثانی (موسوی عاملی) در کتاب مدارک الاحکام فی شرح عبادات شرائع الاسلام به شهیدثانی صاحب کتاب روض الجنان فی شرح ارشاد الاذهان ایراد وارد می‌کند به اینکه: «**بانه مع عدم وضوح مأخذه رد الی الجهاله**» (بحرانی آل‌عصفور، ۱۴۰۵ق، ج۷، ص۳۳۶). بحرانی به این اشکال چنین جواب می‌دهد: «ظاهر آن است که آن چرا که سید بر جدش به عنوان ایراد آورده است، وارد نیست. بر فرض که وجود این لفظ در اخبار باشد؛ در این صورت واجب است به مقتضای قواعد اخبار در معنای ممیز به عرف مراجعه شود و آن چرا که جد ایشان به عنوان تعریف ممیز آورده است، مقتضای عرف در معنای تمییز است» (همان).

۲-۴. دیدگاه دوم: تشخیص عرف

در دیدگاه دوم، فقهای بسیاری تعیین ممیز را به عرف واگذار کرده‌اند و عرف را مرجع تشخیص ممیز دانسته‌اند و فرموده‌اند: «**و المرجع فی التمییز الی العرف**؛ مرجع در

تمییز، عرف است» (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج۹، ص۵۵؛ همو، ۱۴۲۱ق، ج۵، ص۴۲؛ موسوی عاملی، ۱۴۱۸ق، ج۳، ص۲۷۰؛ مؤمن سبزواری، ۱۲۴۷ق، ج۲، ص۲۵۴؛ فیض کاشانی، ۱۴۲۹ق، ج۲، ص۳۸۰؛ خوانساری، ۱۳۱۱ق، ص۳۴۷؛ حسینی عاملی، ۱۴۱۹ق، ج۶، ص۴۳۲؛ هاشمی، ۱۴۱۷ق، ج۱، ص۱۹۳).

در دیدگاه دوم، مسئله عرف مطرح شده است و باید منظور از عرف مشخص شود تا مراد فقها در این باره نیز روشن گردد. فقهایی مانند بحرانی در این باره فرموده است: «**ظاهرهم أن المراد بالعرف ما هو المتعارف بین الناس**؛ ظاهر فقها آن است که مراد از عرف همان چیزی است که بین مردم متعارف است» (بحرانی آل‌عصفور، ۱۴۰۵ق، ج۱۹، ص۱۴۳). مرحوم نراقی درباره معنای عرف چنین آورده است: «**المراد بالعرف هو العام**؛ مراد از عرف همان عرف عام و عمومی است» (نراقی، ۱۴۱۵ق، ص۳۴؛ میرزای قمی، ۱۴۱۷ق، ج۳، ص ۲۴۸). مرحوم ملاحبیب‌الله شریف نیز همین معنا را بیان کرده است (کاشانی، ۱۴۲۸ق، ج۱، ص۲۷۸).

صاحب جواهر نیز در این باره همین دیدگاه را مطرح کرده است و آن را از دیدگاه صاحب روض الجنان بهتر می‌داند. به عقیده ایشان، مرجع در تمییز، عرف است (رک. نجفی، ۱۴۰۴ق، ج۹، ص۵۵؛ همو، ۱۴۲۱، ج۵، ص۴۲).

اشکال بر صاحب جواهر: به نظر می‌رسد با توجه به آنچه از مرحوم بحرانی نقل شد، اشکال صاحب جواهر وارد نخواهد بود؛ زیرا مرحوم بحرانی فرمودند: آنچه که صاحب کتاب روض الجنان فرموده است، همان مقتضای عرف است (رک. بحرانی آل‌عصفور، ۱۴۰۵ق، ج۷، ص۳۳۶)؛ چرا که مرجع در تمییز، عرف است و با تعریف روض الجنان از نظر معنا مساوی است. بنابراین، اولویتی که صاحب جواهر فرمودند، به نظر ما جایگاه نخواهد داشت.

۳-۴. دیدگاه سوم: تعیین مصداق در ذیل مباحث خاص

برخی فقهای معاصر، سخن از ممیز را به طور اجمال در ذیل مباحثی مطرح کرده‌اند؛ مانند:

۱. سلام ممیز بر شخص مصلی (رک. اراکی، ۱۴۱۴ق، ج۱، ص۲۰۰، مسأله ۱۱۳۳؛ مکارم شیرازی،

۱۴۲۴ق، ص۱۸۳، مسأله ۱۰۲۳؛ همو، ۱۴۲۶ق، ص۱۰۳، مسأله ۳۷۵؛ طباطبائی حکیم، ۱۴۱۵ق، ج۱، ص۲۳۵، مسأله ۲۹۰).

۲. شرایط ذبح (رک. اراکی، ۱۴۱۴ق، ج۲، ص۱۲۷، مسأله ۲۶۰۸).

۳. احکام صید به سلاح (رک. همان، ص۱۳۰، مسأله ۲۶۱۵).

۴. استحباب تمرین طفل ممیز بر نماز و عبادات دیگر (رک. همان، ص۲۴۲، مسأله ۱۳۸۱؛ شبیری زنجانی، ۱۴۲۸ق، ص۳۰۹، ذیل مسأله ۱۳۹۸).

۵. وجوب ستر عورت بر مکلف در حال تخلی و در احوال دیگر از هر ناظر مکلف و طفل ممیز (رک. اراکی، ۱۴۲۸ق، ج۱، ص۱۶، مسأله ۵۷؛ شبیری زنجانی، ۱۴۲۸ق، ص۱۹، مسأله ۵۷).

۶. حکم اسلام صبی (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵ق، ص۲۱۶).

۷. شرایط انعقاد بیع (جزیری، ۱۴۱۹ق، ج۲، ص۲۱۷). اهل سنت درباره ممیز فقط به همین یک مورد مصداقی اشاره کرده‌اند.

به دلیل آنکه ممیز در هر بحثی، معنای خودش را دارد، به چند نمونه اشاره می‌شود:

الف. در بحث سلام بر ممیز، منظور ممیزی است که سلام را می‌فهمد (رک. مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ق، ص۱۸۳، مسأله ۱۰۲۳؛ همو، ۱۴۲۶ق، ص۱۰۳، مسأله ۳۷۵).

ب. در بحث احکام صید به سلاح، مراد بچه‌ای است که صید به صلاح را می‌فهمد (رک. اراکی، ۱۴۱۴ق، ج۲، ص۱۳۰، مسأله ۲۶۱۵).

ج. در استحباب تمرین طفل ممیز بر نماز و عبادات دیگر، منظور بچّه‌ای است که معنای نماز را می‌فهمد (رک. اراکی، ۱۴۱۴ق، ج۲، ص۲۴۲، مسأله ۱۳۸۱؛ شبیری زنجانی، ۱۴۲۸ق، ص۳۰۹).

د. در بحث شرایط انعقاد بیع، مراد بچه‌ای است که معنای بیع و آنچه را که از آثار بر بیع مترتب می‌شود، می‌فهمد (جزیری، ۱۴۱۹ق، ج۲، ص۲۱۷).

هـ. در حکم اسلام صبی، منظور ممیزی است که اسلام و کفر را تمییز می‌دهد و یکی از این دو را از روی علم، قبول می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵ق، ص۲۱۶).

و. در بحث نفع و ضرر، مراد بچه‌ای است که نفع و ضرر را می‌فهمد (حسینی شیرازی، بی‌تا، ج۶، ص۲۲۸).

۴-۴. دیدگاه چهارم: تشخیص زن و مرد

در دیدگاه دیگر، ممیز به «بچه‌هایی که بین زن و مرد را تمییز می‌دهند» (رک. حسینی شیرازی، بی‌تا، ج۶، ص۲۲۸)، گفته می‌شود.

۴-۵. دیدگاه پنجم: نرسیدن به بلوغ شرعی

در دیدگاه پنجم، ممیز صغیری است که به بلوغ شرعی نرسیده است (رک. بصری بحرانی، ۱۴۱۳ق، ج۶، ص۲۱۸؛ مدرسی، ۱۴۱۵ق، ص۲۵).

۴-۶. دیدگاه ششم: قدرت تشخیص عورت و غیر عورت

اطفالی هستند که استطاعت تشخیص عورت را از غیر عورت دارند و درک می‌کنند که این شیء، عورت است و عورت و غیر عورت را تمییز می‌دهد (رک. مدرسی، ۱۳۸۴، ص۲۵؛ انصاری شیرازی، ۱۴۲۹ق، ج۳، ص۴۹۹).

با توجه به بررسی‌هایی که انجام شد، قیود ذیل در تعریف ممیز، دخیل است:

الف. قادر بر تمییز باشد (رک. اراکی، ۱۴۱۴ق، ج۲، ص۱۳۰، مسأله ۲۶۱۵ و ج ۱، ص۲۰۰، مسأله ۱۱۳۳؛ شبیری زنجانی، ۱۴۲۸ق، ص۳۰۹، مسأله ۱۳۹۸؛ موسوی خمینی، ۱۴۰۴ق، ص۲۶۲).

ب. بین حسن و قبح تشخیص دهد (رک. موسوی خمینی، ۱۴۰۴ق، ص۲۶۲؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ق، ص۱۸۳، مسأله ۱۰۲۳؛ همو، ۱۴۲۶ق، ص۱۰۳، مسأله ۳۷۵؛ اراکی، ۱۴۱۴ق، ج۲، ص۱۲۷، مسأله ۲۶۰۸).

ج) فهم و شناخت داشته باشد (رک. اراکی، ۱۴۱۴ق، ج۲، ص۲۴۲، مسأله ۱۳۸۱؛ شبیری زنجانی، ۱۴۲۸ق، ص۱۹، مسأله ۵).

بنابراین، ممیز به کسی می گویند که حسن و قبح را تمییز دهد و بفهمد و بشناسد و قدرت بر تشخیص بین حسن و قبح را داشته باشد.

۵. تعیین سن ممیز

در تعیین سن ممیز دو نظر است:

الف. در این مورد سن مطرح شده است؛ اما در تعیین آن چند دیدگاه وجود دارد:

دیدگاه اول: برخی از فقها در مورد ممیز، سن شش سال را مطرح کرده‌اند؛ مانند مرحوم تبریزی (رک. تبریزی، ۱۴۲۷ق، ج۶، ص۶۵، سؤال ۲۳۷ و ۲۳۸ و ۲۳۹).

دیدگاه دوم: تفصیل شیخ انصاری است. ایشان درباره سن ممیز بین دختر بچه و پسر بچه تفصیل قائل شده‌اند و می‌فرمایند: «**ورد فی الاخبار النهی عن تقبیل الصغیره ست سنین و وضعها فی الحجر و النهی از تقبیل الصبی البالغ سبع سنین**؛ در روایات از بوسیدن دختر بچه ۶ ساله و گذاشتن او بر روی دامن و زانوها و نیز از بوسیدن پسر بچه ۷ ساله، نهی شده است» (انصاری، ۱۴۱۵ق، ص۵۹-۶۰). از این بیان، می‌توان فهمید که وی برای دختر بچه ممیز، سن ۶ سال و برای پسر بچه ممیز، سن ۷ سال را مطرح می‌کند.

دیدگاه سوم: برخی از فقها در مورد سن ممیز، «نرسیدن به بلوغ شرعی» را مطرح کرده‌اند و در این باره فرموده‌اند: «ممیز، صغیری است که به بلوغ شرعی نرسیده است» (رک. بصری بحرانی، ۱۴۱۳ق، ج۶، ص۲۱۸؛ مدرسی، ۱۴۱۵ق، ص۲۵). به نظر می‌رسد این بیان نشان‌دهنده تعیین سن ممیز است و آن سن، ۱۵ سال قمری است؛ هر چند موضوع طرح شده در ذیل سن ممیز نیست و سن را به صراحت بیان نکرده است؛ اما همین که فرمود: «ممیز صغیری است که به بلوغ شرعی نرسیده باشد»؛ یعنی سن زیر ۱۵ سال مورد توجه است.

ب. در نظر دوم، سنی برای آن تعیین نشده است و در این باره چندین دیدگاه وجود دارد:

دیدگاه اول: تشخیص آسیب بیشتر و کمتر: برخی از فقها همانند شهید ثانی تشخیص آسیب بیشتر و کمتر و نیز تشخیص سودمندتر از سودمند را مطرح کرده است (رک. عاملی، ۱۴۰۲ق، ج۲، ص۶۴۸) و فقهای دیگر نیز همین نظر را عنوان کرده‌اند (رک. موسوی عاملی، ۱۴۱۱ق، ج۳، ص۲۷۰؛ مؤمن سبزواری، ۱۲۴۷ق، ج۲، ص۲۵۴؛ بحرانی آل‌عصفور، ۱۴۰۵ق، ج۷، ص۳۳۶؛ حسینی عاملی، ۱۴۱۹ق، ج۶، ص۴۳۲).

دیدگاه دوم: فقهای بسیاری تعیین آن را به عرف واگذار کرده‌اند و عرف را مرجع تشخیص ممیز دانسته‌اند و فرموده‌اند: «**و المرجع فی التمییز الی العرف**» (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج۹، ص۵۵؛ همو، ۱۴۲۱ق، ج ۵، ص۴۲؛ موسوی عاملی، ۱۴۱۸ق، ج۳، ص ۲۷۰؛ مؤمن سبزواری، ۱۲۴۷ق، ج۲، ص۲۵۴؛ فیض کاشانی، ۱۴۲۹ق، ج۲، ص ۳۸۰؛ خوانساری، ۱۳۱۱ق، ص۳۴۷؛ حسینی عاملی، ۱۴۱۹ق، ج۶،

ص۴۳۲؛ هاشمی، ۱۴۱۷ق، ج۱، ص۱۹۳)، مرجع در تمییز، عرف است و سنی در این باره مطرح نشده است.

دیدگاه سوم: تشخیص زن و مرد: در این دیدگاه سن ممیز مطرح نشده و ممیز را «بچه‌هایی که بین زن و مرد، تمییز می‌دهند»، عنوان کرده است (رک. حسینی شیرازی، بی‌تا، ج۶، ص۲۲۸).

دیدگاه چهارم: قدرت تشخیص عورت و غیر عورت: اطفالی هستند که استطاعت تشخیص عورت را از غیر عورت دارند و درک می‌کنند که این شیء، عورت است و عورت و غیر عورت را تمییز می‌دهد (رک. مدرسی، ۱۳۸۴، ص۲۵؛ انصاری شیرازی، ۱۴۲۹ق، ج۳، ص۴۹۹) و قطعاً همه ممیزها در یک سن خاص نمی‌توانند عورت را تشخیص دهند.

دیدگاه پنجم: معیار و ملاک آن، تشخیص حسن و قبح است (رک: مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق، ج۳، ص۱۸۴، سؤال ۵۶۸) و با توجه به استعداد و ادراک و ذکاوت افراد، سن تمییز مختلف می‌شود (رک. خامنه‌ای، ۱۴۲۰ق، ج۲، ص۳۰۰، سؤال ۸۲۲) و آنچه را که بزرگ‌ترها می‌فهمند، او نیز می‌فهمد (رک. موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۳ق، ص۱۲۲، سؤال ۴۷۹؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق، ج۳، ص۱۸۴، سؤال ۵۶۸).

۶. معنای غیر ممیز

مرحوم احمد نراقی به عبارت «**لم یمیزوا**» (نراقی، ۱۴۱۵ق، ج۱۶، ص۳۶) که مطلق است، اکتفاء کرده است؛ اما فقهای دیگر غیر ممیز را کامل تعریف کرده‌اند و فرموده‌اند: «عورت و غیر عورت را تمییز نمی‌دهد» (رک. کرکی عاملی، ۱۴۱۴ق)، تعبیر به غیر الممیزین (انصاری شیرازی، ۱۴۱۵ق، ص۶۲) عبارت است از:

الف. غیر ممیز: «**غیر الممیز بحیث لا یمیز العورة عن غیرها**» (رازی نجفی اصفهانی، ۱۴۲۷ق، ج۱، ص۳۶۸)؛ صغیر: «**الصغیر الذی لا یمیز بین العورة و غیرها**» (بروجردی، بی‌تا، ج۱، ص۲۶۴)؛ طفل: «**الطفل الذی لایمیز العورة، بحیث یفرّق بینها و بین غیرها بزیادة توجیه النفس إلیها**» (عاملی، ۱۴۲۰ق، ص۱۵۱)؛ «**لم یمیزوا بینها و بین غیرها**» (کرکی عاملی، ۱۴۱۴ق، ج۱۲، ص۳۶).

ب. «**الصغار الذين لم يراهقوا**» (راوندی، ۱۴۰۵ق، ج۲، ص۱۲۹)؛ بچه‌هایی که به مرز بلوغ نرسیده‌اند، اطفال نابالغ هستند، نه اطفال غیر ممیز (مطهری، بی‌تا، ج۱۹، ص۴۹۵)؛ «**هو يطلق على غير البالغ**» (جمعی از مؤلفان، بی‌تا، ج۴۶، ص۱۸۰)؛ مراد از طفل در آیه، غیر بالغ است: «**الذِينَ لَمْ يظْهَرُوا عَلَى عَوْراتِ النِّساءِ، أى لم يبلغوا الحلم**» (همان، ص۱۸۱)؛ منظور از طفل در آیه، کسانی هستند که بالغ نشده‌اند.

ج. فی مجمع البیان: «**المراد بالطفل الجماعة من الأطفال الّذين لم يظهروا على عورات النساء و يريد به الصبيان الّذين لم يعرفوا عورات النساء لعدم شهوتهم، و قيل لم يطيقوا مجامعة النساء ... و الظاهر أنّ قيل ليس بجيد**» (اردبیلی، بی‌تا، ص۵۴۷)؛ مراد از طفل، گروهی از بچه‌هایی هستند که بر عورت زنان آشکار نمی‌شوند؛ زیرا شهوتی ندارند و قول دیگری که به صورت قیل آمده و فرموده است: «مراد از طفل، بچه‌ای است که قدرت و توانایی بر مجامعت و نزدیکی با زنان را ندارد». ظاهراً قول قیل، قول نیکویی نیست.

برخی واضح‌تر و روشن‌تر بیان نموده‌اند: «**إن للصباوة مراحل مختلفة فی الإدراك و التمييز، لأن الصبی فی بعض تلك المراحل كالجدار لا يميز شيئا، كما إذا كان فی المهد**» (یزدی، ۱۴۱۶ق، ج۲، ص۱۸)، برای صباوت و بچگی، مراحل مختلفی در ادراک و تمییز وجود دارد؛ زیرا صبی در بعضی از مراحل مانند دیوار است، چیزی را تمییز نمی‌دهد، مانند زمانی که در مهد و گهواره است.

البته مکارم شیرازی معنای غیر ممیز را اعم گرفته است: «غیر ممیز هر جا معنای خودش را دارد: الف) در بحث حلال و حرام، مراد از غیر ممیز، کسی است که حلال و حرام را نمی‌فهمد؛ ب) در بحث پاکی و نجسی، مراد بچّه‌ای است که فرق بین پاکی و نجسی را نمی‌داند؛ ج) اگر در ظلم و عدالت بحث شود، مراد بچه‌ای است که معنای ظلم را نمی‌داند» (رک. مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ق، ج۱، ص۶۰).

همچنین ایشان غیر ممیز را چند گونه معنا کرده‌اند:

۱. بچه‌ای که خوب و بد حسن و قبح را نمی‌فهمد، مثلاً نمی‌فهمد که نباید لب چاه برود؛

۲. بچه‌ای که مسائل جنسی، رابطه جنسی، شهوت و رابطه زوج و زوجه را نمی‌فهمد.
۳. بچه‌ای که هیچ چیز را نمی‌فهمد، حتی پدر و مادر را هم نمی‌شناسد (همان).

۱-۶. غیر ممیز از منظر فقهاء

الف. غیر ممیز کسی است که عورت و غیر عورت را تمییز نمی‌دهد (رک. کرکی عاملی، ۱۴۱۴ق، ج۱۲، ص۳۶؛ عاملی، ۱۴۲۰ق، ص۱۵۱؛ رازی نجفی اصفهانی، ۱۴۲۷ق، ج۱، ص۳۸۶؛ طباطبایی بروجردی، بی‌تا، ج۱، ص۲۶۴).

ب. «**غیر المیز، و هو الذی لا یستقبح عرفا اطلاعه علی العورة**» (طباطبایی حکیم، بی‌تا، ج۲، ص۲۱)؛ غیر ممیز کسی است که عرفاً اطلاع یافتن بر عورت را قبیح و زشت نمی‌شمارد و استطاعت تشخیص عورت را ندارد و درک نمی‌کند که این شیء، عورت است (رک. مدرسی، ۱۳۸۴، ص۲۵).

دلیل عدم آگاهی غیر ممیز از مسائل جنسی با توجه به شریفه: «**أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النساء**؛ یا کودکانی که برعورت‌های زنان وقوف حاصل نکرده‌اند، آشکار نکنند» (نور: ۳۱)، قابل درک است؛ زیرا جمله «**لم یظهروا**»، گاهی به معنای «**لم یطلعوا**» و گاهی به معنای «**لم یقدروا**» تفسیر شده است؛ یعنی قدرت بر مسائل جنسی ندارد. ظاهر آیه، به ملاحظه ذکر «عورات» به معنای اول است، «**لم یطّلعوا**»، یعنی مسائل جنسی را نمی‌فهمند. بنابراین، غیر ممیز، یعنی بچه‌هایی که از مسائل جنسی، سر در نمی‌آورند؛ زیرا غیر ممیز، شناخت به مسائل جنسی ندارد (رک. مکارم شیرازی، ۱۴۲۵ق، ص۱۱۰).

۷. ملاک سن غیر ممیز

الف. سه سال: مرحوم خویی﵀، سن کمتر از ۳ سال را مطرح می‌کنند (رک. موسوی خویی، ۱۴۱۸ق، ج۸، ص۳۲۷).

ب. سن خاصی ندارد: سخن مرحوم فاضل﵀ در این باره که «جواز نظر و نگاه به سن خاصی اختصاص ندارد» (رک. فاضل لنکرانی، ۱۴۲۱ق، ص۴۷)، معلوم می‌شود که غیر ممیز سن خاصی ندارد؛ وگرنه نمی‌فرمود: «جواز نظر به سن خاصی اختصاص ندارد».

۸. نتیجه‌گیری

۱. تمییز در لغت به معنای جدا کردن بین اشیاء است و ممیز کسی است که بین اشیاء تمییز دهد و در اصطلاح به شش دیدگاه اشاره شده است. بیشترین دیدگاه‌ها مربوط به فقهای امامیه است و اهل سنت در این باره به اجمال نظر داده و فقط به یک مصداق برای ممیز اشاره کرده‌اند که ما در دیدگاه سوم به آن پرداخته‌ایم.

دیدگاه اول: تشخیص آسیب بیشتر از ضرر و آسیب کمتر و تشخیص سودمندتر از سودمند: شهیدثانی﵀، ممیز را کسی می‌داند که أنفع و مضرتر را از سودمند و ضرر تشخیص دهد که دو اشکال به آن وارد شد و پاسخ آن بیان گردید.

دیدگاه دوم: عرف، مرجع تشخیص است. به عقیده صاحب جواهر، این دیدگاه، بهتر از دیدگاه اول است که به مطلب ایشان پاسخ داده شد.

دیدگاه سوم: ممیز را مصداقی بیان کرده‌اند که به هفت مورد پرداخته شد.

دیدگاه چهارم: بچه‌هایی را که بین زن و مرد، تمییز می‌دهند، ممیز می‌دانست.

دیدگاه پنجم: ممیز را صغیری می‌داند که به بلوغ نرسیده است.

دیدگاه ششم: ممیز، اطفالی هستند که استطاعت تشخیص عورت را از غیر عورت دارند و درک می‌کنند که این شیء، عورت است و عورت و غیر عورت را تمییز می‌دهد.

۲. در سن ممیز، دو نظر است: الف) نظر اول سن مطرح شده است؛ اما در تعیین سن اختلاف نظر است و به سه دیدگاه اشاره شد: سن ۶ سال؛ تفصیل بین دختر بچه و پسر بچه ممیز است که دختر بچه شش سال و پسر بچه هفت؛ نرسیدن به بلوغ شرعی. ب) اما در نظر دوم سن مطرح نیست؛ بلکه بر اساس استعداد بچه‌ها تعیین می‌گردد که به پنج دیدگاه اشاره شد.

۳. غیر ممیز در اصطلاح فقهاء، به بچه‌ای گویند که بین عورت و غیر آن را تشخیص ندهد.

۴. در سن غیر ممیز، دو نظر مطرح شده است: نظر اول: سن سه سال و در نظر دوم، سن مطرح نشده است.

فهرست منابع

* قرآن کریم (۱۴۱۵ق)، ترجمه محمدمهدی فولادوند، تهران: دارالقرآن الکریم.

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.

۲. اراکی، محمدعلی (۱۴۱۴ق)، المسائل الواضحه، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.

۳. اردبیلی، احمد (بی‌تا)، زبدة البیان فی أحکام القرآن، تهران: المکتبة الجعفریة لإحیاء الآثار الجعفریة.

۴. انصاری شیرازی، قدرت‌الله و پژوهشگران (۱۴۲۹ق)، موسوعة أحکام الأطفال و أدلتها، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم‌السلام.

۵. انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ق)، کتاب النکاح، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.

۶. بحرانی آل‌عصفور، یوسف بن احمد (۱۴۰۵ق)، الحدائق الناضرة فی أحکام العترة الطاهرة، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۷. بصری بحرانی، محمدامین (۱۴۱۳ق)، کلمة التقوی، قم: نشرسید جواد وداعی.

۸. تبریزی، جواد (۱۴۲۷ق)، صراط النجاة، قم: دار الصدیقة الشهیدة.

۹. جزیری، عبدالرحمن؛ سید محمد، غروی؛ یاسر، مازح (۱۴۱۹ق)، الفقه علی المذاهب الاربعة و مذهب اهل البیت علیهم‌السلام، بیروت: دار الثقلین.

۱۰. جمعی از مؤلفان (بی‌تا)، مجلة فقه أهل البیت علیهم‌السلام، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل‌بیت علیهم‌السلام.

۱۱. حسینی خامنه‌ای، سید علی (۱۴۲۰ق)، أجوبة الاستفتاءات، بیروت: الدار الإسلامیة.

۱۲. حسینی شیرازی، سید محمد (بی‌تا)، إیصال الطالب إلی المکاسب، تهران: منشورات اعلمی.

۱۳. حسینی عاملی، سید جواد (۱۴۱۹ق)، مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلاّمة، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۱۴. خوانساری، رضی‌الدین (۱۳۱۱ق)، تکمیل مشارق الشموس فی شرح الدروس، قم: مؤسسه آل البیت علیهم‌السلام.

۱۵. رازی نجفی اصفهانی، محمدتقی (۱۴۲۷ق)، تبصرة الفقهاء، قم: مجمع الذخائر الإسلامیة.

۱۶. راوندی، قطب‌الدین سعید (۱۴۰۵ق)، فقه القرآن، قم: کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی.

۱۷. سید محمود هاشمی، سیدمحمود و جمعی از پژوهشگران (۱۴۱۷ق)، معجم فقه الجواهر، بیروت: بی‌نا.

۱۸. شبیری زنجانی، سید موسی (۱۴۲۸ق)، المسائل الشرعیة، قم: مؤسسة نشر الفقاهة.

۱۹. صاحب بن عباد، اسماعیل (۱۴۱۴ق)، المحیط فی اللغة، بیروت: عالم الکتاب.

۲۰. طباطبایی بروجردی، حسین (بی‌تا)، نهایة التقریر، بی‌جا: بی‌نا.

۲۱. طباطبایی حکیم، سیدمحمد سعید (۱۴۱۵ق)، منهاج الصالحین، لبنان: دارالصفوه.

۲۲. ـــــــــــــــــــ (بی‌تا)، مصباح المنهاج (کتاب الطهاره)، قم: مؤسسة المنار.

۲۳. عاملی، زین‌الدین (شهید ثانی) (۱۴۰۲ق)، روض‌الجنان فی شرح إرشاد الأذهان، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.

۲۴. ـــــــــــــــــــ (۱۴۲۰ق)، المقاصد العلیه فی شرح الرساله الألفیه، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.

۲۵. فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۱ق)، تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة (النکاح)، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم‌السلام.

۲۶. فراهیدی، خلیل (۱۴۱۰ق)، کتاب العین، قم: نشر هجرت.

۲۷. فیض کاشانی، محمدمحسن (۱۴۲۹ق)، معتصم الشیعة فی أحکام الشریعة، تهران: مدرسه عالی شهید مطهری.

۲۸. کاشانی، ملأحبیب‌الله شریف (۱۴۲۸ق)، منتقد المنافع فی شرح المختصر النافع (کتاب الطهارة)، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۲۹. کرکی عاملی، محقق ثانی (۱۴۱۴ق)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم: مؤسسه آل البیت علیهم‌السلام.
۳۰. مدرسی، سید محمدتقی (۱۳۸۴)، الوجیز فی الفقه الاسلامی (احکام الزواج و فقه الاسره)، بی‌جا: محبان الحسین.
۳۱. مطهری، مرتضی (بی‌تا)، فقه و حقوق (مجموعه آثار)، چاپ اول، قم: صدرا.
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۴ق)، رسالة توضیح المسائل، قم: مدرسه امام علی‌بن‌ابی‌طالب علیه‌السلام.
۳۳. ـــــــــــــــ (۱۴۲۴ق)، کتاب النکاح، قم: مدرسه امام علی‌بن‌ابی‌طالب علیه‌السلام.
۳۴. ـــــــــــــــ (۱۴۲۵ق)، أنوار الفقاهة (کتاب النکاح)، قم: مدرسه امام علی‌بن‌ابی‌طالب علیه‌السلام.
۳۵. ـــــــــــــــ (۱۴۲۶ق)، أحکام النساء، قم: مدرسه امام علی‌بن‌ابی‌طالب علیه‌السلام.
۳۶. ـــــــــــــــ (۱۴۲۷ق)، الفتاوی الجدیدة، قم: مدرسه امام علی‌بن‌ابی‌طالب علیه‌السلام.
۳۷. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۴۰۴ق)، زبدة الأحکام، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی
۳۸. موسوی خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۸ق)، موسوعة الإمام الخوئی، قم: مؤسسة إحیاء آثار الإمام الخوئی.
۳۹. موسوی عاملی، محمد (۱۴۱۸ق)، مدارک الأحکام فی شرح عبادات شرائع الإسلام، بیروت: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
۴۰. موسوی گلپایگانی، سید محمدرضا (۱۴۱۳ق)، إرشاد السائل، بیروت: دار الصفوة.
۴۱. مؤمن سبزواری، محمد (محقق) (۱۲۴۷ق)، ذخیرة المعاد فی شرح الإرشاد، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.

۴۲. میرزای قمّی، ابوالقاسم بن محمدحسن (۱۴۱۷ق)، غنائم الأیام فی مسائل الحلال و الحرام، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
۴۳. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت: دار إحیاء التراث العربی.
۴۴. ـــــــــــــ (۱۴۲۱ق)، جواهر الکلام فی ثوبه الجدید، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب.
۴۵. نراقی، مولی احمد (۱۴۱۵ق)، مستند الشیعة فی أحکام الشریعة، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
۴۶. نراقی، مولی محمد مهدی (بی‌تا)، لوامع الأحکام فی فقه شریعة الإسلام، قم: بی‌جا.
۴۷. یزدی، سید محمد (محقق داماد) (۱۴۱۶ق)، کتاب الصلاة، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.